

# دانه های

# خشم

## اکثریت ظالمش

## افریقا

## جه آئنده ای

## در پیش دارند؟



ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

بنام خدا

از آنجا که یکی از شگردها و تمهیدات پیچیده استکبار جهانی در ویرانی و تخریب ممالک تحت سلطه، خشکاندن منابع کشاورزی آن بوده که در این سمت شیوه‌های شیطانی متعددی را بنا به شرایط و امکانات حاکم بر کشور تحت سلطه اتخاذ می‌کند و نیز به لحاظ انقلابات رهائی‌بخش توده‌های محروم جهان که ستیزی سخت با استکبار جهانی و مناسبات و ساختارهای شیطانی آن داشته و دارند، دست به دست هم داده ایجاب می‌کند که از امکانات و اوضاع کلی و تجربه‌های خونبار این ستمدیدگان که ره‌توشه‌های ارزشمندی از مبارزات آنها را در رهائی از سلطه ابرقدرتها و بسازسازی مناسبات اقتصادی و اجتماعی آنها تشکیل می‌دهد باخبر شویم و

بی‌شک تک‌تک این تجربه‌ها ارزشهای گرانقدری است که ما را به حل بهتر و بیشتر معضلات و مشکلات کنونی انقلابان یاری می‌دهد، هر چند ساختار و نظام اجتماعی هر یک از این کشورها نموده‌های ویژه‌ای نسبت به خود دارند ولی جای تردید نیست که نمی‌توان از تجربه‌های کلی و سازنده آنها چشم پوشید و نیز از آنجا که نظام استکبار جهانی یک شبکه کلی و بهم‌پیوسته و پیچیده است و با اهرمهای قوی و همگونی که در سراسر دنیا دارد بصورت گسترده و وسیع عمل می‌کند نمی‌توان جبر با جمع‌بندی تجربیات وحدت و حضور کلیه محرومین و کشورهای غیر وابسته و ضد استکبار با آن برخورد کرد لذا «مجله جهاد» شماره‌هایی از صفحات خود را به این مهم اختصاص داده و چنانچه در این راستا مطالبی که

بیان‌کننده اوضاع کلی پیرامون کشاورزی مهاجرت، روستا و روستائیان، محرومین و شیوه‌های استقلال‌طلبانه... آنها داشته و بعلاوه جای پای استکبار جهانی را در این میان افشا کند می‌نمائیم، بدیهی است در این میان معیارها و ارزشهای انقلاب اسلامی ملاک بوده و کل مطالب چاپ شده نمی‌تواند نظریات جهاد سازندگی و «مجله جهاد» باشد، اصل همان آشنائی با سنتهای حسنه و بارگیری از آن تجربه‌ها است. نظریات فیشر عبادی‌الذین سیتمون القول و یتبعون احسنه» حال در این شماره مطلبی از مجله ماهنامه یونسکو «پیام» که در رابطه با مسائل دهقانی قاره آفریقا بچاپ رسیده می‌آوریم.

●

«می‌دانیم که ما دهقانیم، می‌دانیم که پرندگان همه در یک سطح پرواز نمی‌کنند. نمی‌خواهیم مانند مردم ثروتمند در شهرها باشیم. ما زندگی بهتر و معاش بیشتر می‌خواهیم.»

برای ارزیابی اهمیت کامل این عبارات که توسط پیرمردی از اهالی «پایلا»، دهکده دورافتاده‌ای در سرزمین وسیع «ساحل» در شمال آفریقا، بر زبان آمده است، باید به خاطر داشت که علی‌رغم رشد شتابزده و بی‌ضابطه شهری، که غالباً نیز پیامدهای مخاطره‌آمیز در برداشته، آفریقا هنوز عمدتاً قاره دهقانان است. گروه اخیر انبوهی از مردمند که رسانه‌های اطلاعاتی، که عموماً در انحصار احزاب حاکمند، بندرت از آنها سخنی به میان می‌آورند مگر در مواقعی که به دلیل وقوع مصیبت‌های طبیعی یا فشار بین‌المللی مجبور بدان باشند.

مردم شهرهای بزرگ درباره شرایط زندگی، مشکلات و نیازهای میلیون‌ها آفریقایی که به سکوتی مرگبار تن داده‌اند واقعا چه می‌دانند؟ در آفریقایی که پایتخت‌های بزرگ آن در تب و درد مرض به سر می‌پرند، آیا دهقانان جمعیتی حاشیه‌ای‌اند که مقدرند در پایان مهاجرت خود به شهر در حلیبی آبادهای رو به رشد با بیکاری و فقر دست و پنجه نرم کنند؟ آیا دهقانان آفریقا مردمی «حاشیه‌ای شده» هستند یا طبقه‌ای در حال خیزش؟

درست است که بنابر تفاوت‌هایی که در آب و هوا، سطوح توسعه، و رژیم سیاسی کشورهای مختلف وجود دارد، وضعیت دهقانان آنها نیز با یکدیگر متفاوت است، اما یک نکته را باید در نظر داشت: ما مطمئن نیستیم که با پیدایش کشورهای جدید شرایط دهقانان آفریقا بهتر شده است. برای بسیاری از مردان و زنان شاید اوضاع برتر از سابق است. خورشیدهای استقلال برای مردم بونه‌زاران نمی‌درخشند چنین است پیامی که با زبان بی‌زبانی مدام از مناطق گوناگون آفریقا به گوش می‌رسد، پیامی از آن زیرها، از روستاهایی که دهقانان آنها احساس می‌کنند چون فوجی از مطرودین در روی زمینهای خود زندگی می‌کنند.

دهقانان در کشورهایی که توسعه در یک شهر بزرگ متمرکز شده است از همه بیشتر احساس رنج و درد می‌کنند. مادر-شهرها با محله‌های فوق مدرنشان مرکز قدرت و پولند، و این در حالی است که بی‌چیزان بیش از پیش ناکام می‌مانند چرا که بهبود وضع یک گروه سرآمد بستگی به بهره‌کشی هر چه بیشتر از کار دهقانان دارد. تصور وقوع تحولات عمیق اجتماعی، که ناشی از هجوم سرمایه به مناطق روستایی کشورهایی است که در نظر سرمایه‌گذاران بهشت مالی جلوه می‌کند، دشوار نیست. بسیاری از دهقانان، که به «فقر مطلق» دچار گشته‌اند مجبور به کار مزدوری در مزارع برنج یا کشتزارهای پنبه یا نیشکر شده‌اند. بسیاری از آنها هنگامی که پروژه‌های اصلی کشت و صنعت به مرحله اجرا درآمد مالکیت خود بر زمینهایشان را از دست دادند.

بازدید کننده روستاهای آفریقا ممکن است از وضعیت محروم این روستاها، که چندین نسل محکوم به کشت تک محصولی کاکائو، قهوه، پنبه، یا چای بوده‌اند، حیرت زده شود. با وجودی که صادرات این قاره رو به ازدیاد است، دهقانان بیش از

پیش به ورطه فقر و قحطی می‌غلطند. مقاله‌ای در مجله دیالوگ خاطر نشان می‌سازد که دهقانان رواندا قربانیان نوعی استثمارند که از کشت صنعتی محصولات صادراتی ناشی می‌شود. چای از محصولاتی است که پیامدهای خانمان برانداز دارد، پیامدهایی که عمدتاً بردوش «روستائیان» می‌افتد. در اینجا نیازی نیست که عمیقاً وارد مبحث دیکتاتوری بادام زمینی در سنگال یا پنبه در چاد بشویم. آنچه که ادعا می‌شود «مدرنیزه شدن» کشاورزی برابری است با انکار کارایی نظامهای کشاورزی دهقانان. این امر به نوعی ناهمگونی ساختی منجر می‌شود که مشوق کشت دانه‌های صادراتی به قیمت کاهش محصولات غذایی است، و بدین ترتیب نابرابری میان کشورهای صنعتی و آفریقا راه‌رچه شدیدتر می‌کنند.

به قول فیلیپ هوگون، «نابرابری روبه رشد در توزیع درآمد به فقیر شدن توده‌های روستاها می‌انجامد...» یک گروه صاحب امتیاز از درآمدی برخوردار است که یکصد برابر درآمد مردم روستاها می‌شود... درآمد سالانه دهقان ثابت می‌ماند، اما او بیش از پیش بار هزینه‌های دولت را بردوش می‌کشد. دگرگونی حاضر به بسینوا کردن توده روستایی می‌انجامد.»

گروهی از جوانان کامرون که بین دهقانان منطقه یوکو، حدود ۱۰۰ کیلومتری پایتخت، اردوگاهی برپا کرده بودند با مسائل جالبی روبرو شدند. آنچه در ابتدا آنها را حیرت زده ساخت سنگناها و شکستهای یک کشاورزی وابسته بود که قدرت بر آوردن نیازهای مردم در زمینه یک جیره غذایی متعادل را نداشت و نمی‌توانست حافظ تندرستی دهقانان باشد. یکی از دانشجویان می‌گوید: «از آنها پرسیدم چه می‌کارید، گفتند سابقاً مانیوک، خیار، بادام زمینی و ذرت می‌کاشتند و حالا قهوه و کاکائو، و این دو غذا نمی‌شود.» یک دانشجوی دیگر اظهار می‌دارد: «آنها سحرگهان به مزرعه می‌روند و در شامگاه باز می‌گردند.» «بعضی اوقات دهقانها بدون این که چیزی خورده باشند بر سر کارشان می‌روند. در طول اقامت خود در روستا، هیچگاه صبحانه صرف نکردیم، وقتی صبحها به سرکار می‌رفتیم مثل دهقانها گرسنه بودیم.» این قبیل اشارات به گرسنگی شدید شرایط دهقانان این مناطق را منعکس می‌کند، مناطقی که از نظر بهداشت نیز وضعیتی رقت‌بار دارند.

مشکلات بقا در مناطق فقرزده برای کسانی که درباره زندگی در جنگل چیزی نمی‌دانستند مسائل بسیار را بر ملا کرد. یکی از این دانشجویان شهری چنین اظهار داشت: «این تجربه به من فرصتی داد تا حقایق را دریابم.» دیگری خاطر نشان کرد که «ما در حال پی بردن به وضعیت مردمی هستیم که از انظار دورند و در کتابهای درسی ذکری از آنها به میان نمی‌آید.» این انتقاد به آموزش مدرسه‌ای شامل رسانه‌های اطلاعاتی، و فهرست بلند بالا و گمراه کننده دستاوردهای رسمی نیز می‌شود: «بالاخره ما داریم به اتفاق هم حقایق روستا را می‌فهمیم، حقایقی که در پشت سخنرانیها و دروغ‌پردازیهایی وسایل ارتباط جمعی پنهان شده است.» این آفریقایی روستایی در معرض اثرات

سوءالگوهای توسعه‌ای قرار گرفته است که هر چند معتبر باشد در آفریقا به جایی نمی‌رسد. در میان سرآمدان شهری، آنچه که آلبرت تو و ادجره تحت عنوان «دیوانگی تقلید» تقبیح کرده است، منشأ بروز نیازها و آرزوهایی بوده که به زندگی به سبک غربی مربوط می‌شود. این نیازها در مقابل پول به دست می‌آید، یعنی در مقابل ارز خارجی، و به آن به معنای مالیات هرچه بیشتر است که عایداتش به جیب باشگاه ثروتمندان می‌رود. دهقانان که به نظام پولی وارد می‌شوند، در راه پرولتریزه شدن هستند و یک گروه کوچک صاحب امتیاز منافع حاصله را از آن خود می‌سازد. در زمانی که کشورهای غنی مدام در حال کشیدن طنابی‌اند که برگردن آفریقا افتاده



است، دهقانان سیاه احتمالاً فراموش شدگان واقعی زمینند و آینده آنها همه کسانی را که طالب دنیایی مساوات گرایانه‌تر و انسانی‌ترند به مسخره می‌گیرد. پس از سپری شدن چند دهه از استقلال و برطرف شدن توهماتى که موجود بود، بسیاری از دهقانان این اعتقاد را یافته‌اند که دگرگونی در زندگی ایشان الزاماً از بالا منشأ نخواهد گرفت، و با آزمودن راههای جدیدی برای توسعه، که نقطه شروع آن عمل کردن خود گروهها به عنوان معماران دگرگونی محیط‌شان است، آینده این قاره را شکل می‌دهند. ما قادر بوده‌ایم که اهمیت این عوامل را در میان دهقانان شمال کامرون، یعنی جایی که مشکلات زمین، آب و دانه به شکل حادى وجود دارد، خاطر نشان سازیم.

برای جماعتی که در جستجوی زمین برای تأمین معاش خودند، توهمات موجود در سازمان روستایی هنگامی آشکار میشود که دهقانان از نگهداری زمینهایی که یکساله از متنفذین سنتی دهکده اجاره کرده‌اند درمی‌مانند، چگونه می‌توان فکر به کار بستن روشهای نوین کشاورزی را در سر داشت در حالی که هر لحظه ممکن است مقامات مالکیت زمینتان را از شما سلب کنند، مقاماتی که هنگام دست زدن به «انقلاب سبز» این گرایش را دارند که زمینهای قابل کشت را ضبط کنند؟ اولین گام در راه تشویق دهقانان به عمل این است که آنها را برانگیزیم تا از بن بست بیرون آیند. در مناطقی در معرض خطر کمبود مواد غذایی است، اولین مرحله در این فرایند می‌تواند تعیین آن دسته مشکلات مربوط به زمین باشد که جذب جوانان به محیط روستایی را سبب می‌شود، و نیز مشخص کردن وضعیت بهداشت مردم، سطح تعلیم و تربیت

کودکان، تعادل زندگی خانوادگی، و مسائل مربوط به تغذیه.

چنین پروژه‌های مستلزم تبادل آراء میان کسانی است که در بخشهای گوناگون فرایند توسعه دخالت دارند و غالباً جدا از هم و در چهارچوب رشته تخصصی خود کار می‌کنند و روابط لازم میان بخشهای مختلف را در نظر نمی‌گیرند. شما اگر زمینی نداشته باشید یا بر آنچه تولید می‌کنید کنترلی نداشته باشید، موردی ندارد که یاد بگیرید چگونه می‌توان یک کشاورز بهتر بود، و به همین دلیل اهمیت حیاتی دارد که دهقانان را تشویق کنیم تا مسائل اصلی خود را ابراز کنند، برای آنها راه حل بیابند، و تصمیم بگیرند که چه اقدامی به عمل می‌آورند.

برای دهقانانی که در اثر وجود یک نظام مدرسه‌ای نخبه‌پرور در جهل و گمراهی رها شده‌اند، تجربه یادگیری خواندن و نوشتن طبق روشی که بر سنت گفتاری آفریقا مبتنی است و دانش‌آموز را تشویق می‌کند که نسبت به جهان پیرامون خود آگاه‌تر شود، قدرت اندیشه را بالا می‌برد و وسیله‌ای می‌شود برای رها شدن از اسارت. بدین ترتیب با ادای مسئولیت نسبت به مشکلات خانوادگی، بهداشتی یا تغذیهای، می‌توان خواندن و نوشتن آموخت. در عین حال، با سواد شدن دهقانان را قادر می‌سازد تا در بازارهای فروش پنبه، که در آن متصدیان توزین کالا و خریداران دهقانان بیسواد را فریب می‌دهند، اغفال نشوند.

هدف از این عملیات بسط نوعی از توسعه است که در آن ذخیره کردن ارزن دوباره بخشی از زندگی خانوادگی شود. این رویه با الگویی از کشاورزی که بر کشت دانه‌های صادراتی مبتنی است و به گرسنه

ماندن و حاشیه‌ای شدن دهقانان می‌انجامد، مغایرت دارد. در روستاهایی که کشت پنبه رواج دارد، جلب توجه کشاورزان به کشت ارزن مستلزم این است که نیاز اولیه آنان یعنی «نیاز به غذا» گوشزد شود. تنها حصول اطمینان از این که کشاورزان از گرسنگی نمی‌میرند کافی نیست، بلکه باید در برابر احتکار مواد غذایی نیز، که دهقانان در دوره‌های انتقالی قربانیان آن هستند، مقاومت ورزید. دلان شیاد در فصل درو محصول را به قیمت ارزان از دهقانان خریداری می‌کنند و به خودشان به بهای گزاف می‌فروشند.

زنان دهقان آفریقایی گاه درست تا لحظه پیش از وضع حمل کار می‌کنند، و وقتشان چنان گرفته است که فرصت اندکی برای استراحت یا تفریح دارند. هر ترتیبی که آنها را قادر به بازگو کردن مشکلاتشان در روستاها نماید در پروژه جهانی برای تغییر شرایط زندگی دهقانان جایی خواهد داشت.

ضروری است که زنان بتوانند عقاید خود را در باره استفاده از محصولات کشاورزی و پول و نیز در باره تهاجم سرمایه به زندگی روستایی، که ناشی از توسعه کشت محصولات صادراتی است و مشکلات غذایی را در ناحیه‌ای که غالب کودکان دچار کم‌غذایی‌اند دو چندان می‌کند، بیان نمایند.

در نتیجه از زنان، که بار مسؤلیت سلامتی کودکان بر دوششان است، درخواست می‌شود که نظر خود را در باره زمینی که در آن به جای ارزن، پنبه کشت می‌شود بیان دارند. همه نیروهای اجتماعی روستا باید در تدوین یک پروژه توسعه یکدست که بتواند جایگزین الگوهای موجود بشود شرکت کنند. بدین ترتیب کوشش می‌شود تا نوجوانان مدارس نیز درگیر موضوعات شوند.

ذخایر ارزن دوگون در نزدیکی صخره‌های باندیاگارا در مالی.





سید ذخیره کردن حیوانات در دهکده‌های نزدیک بانفورا، ولتای علیا

از طریق جلساتی که در آن کودکان مدارس می‌توانند اظهار نظر و تبادل آراء کنند، آنها به تدریج می‌آموزند که «چشمان تیزبین روستا» شوند و به طرفداری از دهقانان عمل کنند. «تفهم مسائل بهداشتی به مردم»، نصیحت کردن مادران به این که کودکان خود را خوب تغذیه کنند»، «متنوع کردن جیره غذایی»، «آموختن این نکته به مردم که چگونه آب آشامیدنی به دست بیاورند»، «مطلع کردن پدران

سید ذخیره کردن حیوانات در دهکده‌های نزدیک بانفورا، ولتای علیا  
فیتش‌ها یا اشیاء مقدسی که در نزدیکی یک سیلوی گلی در ولتای علیا گذاشته شده است.  
ومادران نسبت به مشکلات کشور»، «محافظت از دهقانان در بازارهای پسنه» اینسپارهای از مسئولیتهایی است که جوانان هنگام تأمل درباره همبستگی میان دانش‌آموزان و دهقانان برای خود یافته‌اند.

پروژه «مدرسه بدون دیوار»، که مورد نظر من است، این خواسته را منعکس می‌سازد که محتوای آموزش در پرتو مسائل روستا که کودک می‌تواند در آن عاملی برای دگرگونی باشد مورد بررسی دوباره قرار گیرد. با وجود پارامی مانع نهادی از قبیل ساعات درس و امتحانات، هدف از این پروژه باز کردن درهای مدرسه به روی خانواده‌ها و اجتماع روستاست تا آموزگاران، پس از آشنا شدن به شرایط اجتماعی و اقتصادی، بتوانند عاملی برای برانگیختن آگاهی مردم نسبت به محیط خود باشند

بیدار کردن روستا باید مورد تفکر مجدد قرار گیرد و در چهارچوب مسائل مربوط به مدرسه در نظر گرفته شود. همان گونه که یک دهقان در «توکومبره» به منگفت «دهکده بدون مدرسه دهکده برده‌هاست». ما با مسأله یک جنبش واقعی دهقانی روبرویم که به تعدادی دستاویز نیاز دارد تا خود را از قیودی که آن را از پیشرفت باز می‌دارد رها سازد چگونه می‌توان قدرتی را که «متخصصان» توسعه معمولاً ضبط می‌کنند به روستاها پس داد؟

البته در این مبارزه شانه به شانه مشکلات فراوان در پیش روی روستاییان پرولتر شده وجود دارد. جنبه تقدیس بخشیدن به نیروهای اداره کننده یا مرسوم می‌تواند همه نوآوریها را در دهکده‌هایی که قدرت «رئیس قبیله» به عنوان ترمزی در برابر توسعه درون درون‌زا عمل می‌نماید، فلج کند. وقتی که مقامات سنتی در فاصله بین دو برداشت محصول مالیاتها را مطالبه می‌نمایند و بدین طریق مردم گرسنه را وادار می‌کنند که زیر بار قرض بیرونی یا ذخایر غذایی ناچیز خود را بفروشند، تکلیف چیست؟ در آفریقای که دهانش بسته شده است، چگونه می‌توان راه‌حل جدیدی برای توسعه ارائه داد. در شرایطی که «عمران روستایی» همچنان در برگیرنده این واقعیت سخت و ناهنجار است که دهقانان به خاطر سودجویی پارامی مؤسسات خصوصی، مورد استثمار بیش از اندازه قرار می‌گیرند.

امروزه روشها دیگر دقیقاً روشهای گذشته نیست، و توازن قوا شکل عوض کرده است. اشکالی

صورت نمی‌گیرد. باید درباره شرایط اجتماعات محلی، که منافع آنها الزاماً با منافع منطقه‌ای، ملی یا بین‌المللی در تطابق نیست، مدام تحقیق و مطالعه کرد. مخالفت عملی با الگوی غربی توسعه رو در رو شدن با مقامات مرکزی و قدرت سرمایه است. از طریق مبارزات دهقانان و استعداد آنها در متشکل شدن، راه و رسم نوی برای زندگی در جهان براساس خطوط فوق‌الذکر جستجو میشود.

تا جایی که دهقانان آفریقا مهر سکوت بر لب زده‌اند، بشریت بخشی اساسی از پیکر خود را از دست داده است. دگرگونی یک ضرورت است و باید از طریق گامهای کوچکی که به سوی آزادی برداشته می‌شود تحقق یابد. ما همگی در راه نابودی فقر و پدید آوردن انسانی آفریقای هستیم که از اشکال جدید استثمار استعماری آزاد باشد. کلام پیردانی آفریقا، آماج و هامپته با، لاجرم به ذهن انسان خطور می‌کند که: «برای یک لحظه هم که شده باور نکن وظیفه‌ای که داریم بسیار سنگین است و کوششهای ما مسخره. کوشش بیحاصل اصلاً وجود ندارد. دانه باثواب در ابتدا از یک دانه قهوه بزرگتر نیست، ولی از آن درختی می‌روید بس تنومند و باشکوه که سایه‌اش به همگان سود می‌رساند.»

■ ژان - مارک الا

ژان - مارک الا، کشیش و معلم کاتولیک اهل کامرون، مسوول یک پروژه از مجموعه پروژه‌های «مدرسه‌های بدون دیوار» و سرپرست یک برنامه سودآموزی آزمایشی در بین دهقانان شمال کامرون است. او یکی از اعضای «کنفرانس بین‌المللی در باره جامعه شناسی مذاهب» است و در چند سمپوزیوم و سمینار در آفریقا و در سایر نقاط جهان شرکت کرده است. از کتابهای او می‌توان «فریاد انسان آفریقای» (۱۹۸۰) و «آفریقای دهکده‌ها» (۱۹۸۲) را نام برد.

از مقاومت که در میان دهقانان آفریقای استعمار زده به منصف ظهور رسید نشانگر پویایی اجتماعی غیر قابل تصویری بود که در قاره‌ای چون آفریقا، که قرنهای متمادی تحت استثمار وحشیانه بود، بعید می‌نمود.

در سراسر قاره گروههایی از مردم در سطوح پایین جامعه متشکل می‌شوند. آنها در معرض نوعی «انقلاب بدون کوس و کرنا» هستند که در مبارزات دهقانان منعکس است و در حال دگرگون ساختن شرایط بهداشتی و انسانی اجتماعات، و تأثیر گذاشتن بر سازمان تولید کشاورزی، ارتقاء موقعیت زنان، تغذیه و مدیریت امور اجتماعی، و روابط میان جوانان و سالخوردهگان است. به طور خلاصه، این تشکیله به منظور دفاع از حقوق دهقانان پدید می‌آیند.

اگر قرار است حلقه توسعه در شرایط وابستگی، که به توسعه وابستگی منجر میشود، در هم شکسته شود، باید از طریق قرار دادن اجتماع روستایی در مرکز یک جامعه جدید نیروهای خلاق دهقانان به آنها پس داده شود. تا جایی که این مسئله را بپذیریم که سنت آفریقای در برابر تضادها و منافع متضاد در امان نیست، تشکل در روستا به نظر نهدادی اجتناب‌ناپذیر می‌رسد. تجربه نشان می‌دهد که بسیاری از گروههای روستایی در نتیجه تضادهای درونی خود از میان رفته‌اند. در نظر گرفتن بازگشت به آنچه روحیه اجتماعی ما قبل استعماری نام دارد به عنوان یک راه حل معجزه‌آسا، می‌تواند انسان را دچار توهم خطرناکی کند، هم از این نظر که نابرابریها و تضادهایی را که ماهیتاً در هر وضعیت اجتماعی وجود دارد می‌پوشاند و هم بدین لحاظ که اشکال گوناگون سلطه و به چنگ گرفتن قدرت توسط یک اقلیت صاحب امتیاز را از نظر پنهان می‌دارد.

پیشروی اجتماعات دهقانان به جلو خود به خود